گستره معماری اسلامی در ایران

پیترسون، آندرو

نصرتی، مسعود

مصالح ساختمانی در هر نقطه از ایران به‏ تناسب محل و دورهء خاص متفاوت بوده،اما شیوه‏های معین ساخت و ساز در طول سالها پایدار و بی‏تغییر باقی مانده است.در بیشتر دوران‏ اسلامی به دلیل عدم وجود سنگ مناسب،آجر و خشت خام از مصالح اصلی ابنیه به شمار می‏رفت.خشت خام بطور کلی ارزانترین نوع‏ است و در بیشتر خانه‏های ایرانی از قدیم الایام‏ مورد استفاده قرار می‏گرفته است و در بسیاری از ساختمان‏ها به همراه آجر پخته در قسمتهای مهمتر ساختمان به کار می‏رفته است.در اوایل دوران‏ اسلامی آجر پخته برای بناهای تاریخی مهمتر مورد استفاده قرار گرفت و بتدریج به کارگیری این‏ مصالح برای انواع ساختمان‏ها رایج گردید. آجرکاری بناهای تاریخی ساسانیان بسیار ساده و بدون تزیین آنجام می‏گرفت.با ورود الگوهای‏ هندسی پیچیده و کتیبه،الگو تزیین ساختمان در دوران سلجوقی به اوج خود رسید.در این دوران‏ دو شیوه تزیین آجرکاری حائز اهمیت است؛ اولین شیوه،استفاده از آجرهای معمولی در الگوهای ساده بود و در دومین شیوه،آجرها را به‏ اقتضای کاربرد،بصورت ویژه‏ای می‏بریدند که این‏ شیوه،برای کتیبه‏ها و اشکال پیچیده‏تر مناسب‏ بود.

در دوران سلجوقیان،تزیین ساختمان‏ها با آجرهای لعابی و کاشی سرامیک رنگی صورت‏ می‏گرفت و رنگ مورد علاقه این دوران‏ فیروزه‏ای،آبی کم‏رنگ و آبی سیر بود.در بناهای‏ قدیمی‏تر،استفاده از کاشیها و آجرهای لعابی و به‏ کارگیری آنها در دیوارهای بیرونی ساختمان‏ها، رنگهای خاکی یکنواخت آجرها و آبی سیر را جان‏ می‏بخشید.با این وجود در قرن چهاردهم شیوه‏ استفاده از موزاییک کاشی توسعه یافت.در این‏ شیوه قسمت‏های وسیعی را با کاشیهایی که بطرز مخصوصی بریده بودند،فرش می‏کردند تا اشکال‏ هندسی و طرح‏های گلدار حاصل شود.در دوران‏ تیموریان رنگهای جدیدی شامل سبز،زرد و اخرایی مورد استفاده قرار گرفت و شیوه بکارگیری‏ موزاییک کاشی به کمال خود رسید در دوران‏ صفویه با استفاده از روش هفت رنگی،قطعات‏ مستطیلی لعابدار پا به عرصهء ظهور گذاشتند. مزیت این روش اگرچه کیفیت رنگهای آن نسبت‏ به موزاییک کاشی پایین‏تر بود اما امکان فرش کردن‏ محوطه وسیعی را با قیمت ارزان فراهم می‏آورد.

حجاری در ایران به دلیل عدم وجود سنت بنایی‏ سنگ،نسبت به کشورهای شرق مدیترانه کمتر یافت‏ می‏شود.با این حال چند مورد قابل توجه‏ نظیر مسجد«جامع خداخانه»در شیراز(1351 م) وجود دارد.بیشتر ابنیه سنگی در ایران از سنگهای‏ نتراشیده‏ای که در ساروج قرار داده می‏شدند و روی آنها را گچ می‏گرفتند،ساخته شده است.

نبود سنت سنگ‏تراشی در ایران منجر به توسعهء هنر گچ کاری گردید.شیوه تزئینات گچی،در دورهء ساسانیان توسعه یافت،لیکن شکل‏ مخصوص اسلامی آن در شهر سامره،مرکز حکومت عباسی به آنجام رسید.بعدها گچ‏کاری‏ در ایران توسعه بیشتری یافت و از این هنر بخصوص در تزیین محرابها استفاده گردید.

به استثنای شمال غربی ایران در حاشیه دریای‏ خزر،چوب بندرت در ایران مورد استفاده‏ قرار گرفته است.از دوران صفویه آثار منبت‏کاری‏ برجسته متعددی باقیمانده است،اما متاسفانه‏ بیشتر ساخته‏های چوبی ابتدایی این دوران از بین‏ رفته است.مشهورترین نمونه معماری چوبی، رواق کاخ«عالی قاپو»در اصفهان است که شامل‏ یک سقف مسطح روی ستونهای چوبی عظیم با نقش مقرنس است.این اثر به دلیل بزرگی بی‏نظیر خود،نمایانگر شکل سنتی معماری ایرانیان‏ است.

در ایران دو بنای منحصرا اسلامی،یعنی‏ مساجد و قبور وجود دارد.علاوه بر این، ساختمانهای عادی نیز وجود دارند که در معماری‏ ایرانی حائز اهمیت است.متاسفانه آثار بجای‏ مانده مربوط به قبل از سلجوقیان که نمایانگر معماری اسلامی ایرانیان می‏باشد،بسیار اندک‏ است و همین امر یافتن منشاء انواع مختلف بناهای‏ ویژه و ارتباط آنها با معماری اسلامی جاهای دیگر را دشوار می‏نماید.

اولین مساجد ایرانیان،ساختمانهای ستونداری‏ بودند که محراب آنها در جنوب غربی حیاطی‏ قرار داشت که سه طرفش را طاقهایی احاطه کرده‏ بودند.برخلاف مساجد سوریه و مصر که دارای‏ ستونهای مرمری بودند،مساجد ایرانیان ستونهای‏ آجری یا چوبی داشتند که سقف را تحمل‏ می‏کردند.تنها تعداد کمی از این مساجد کشف‏ شده‏اند که مهمترین آنها مساجد سیراف،شوش، اصفهان،فهرج،دامغان و نایین هستند.سه‏ مسجد اول سقف‏های چوبی صاف دارند، در حالیکه سه مسجد دیگر دارای سقف‏های‏ گنبدی هستند که روی ستونهای هشت وجهی‏ کوتاه یا سنگی مدوری قرار دارند.دیوارهای این‏ ابنیه در ابتدا از خشت خام یا سنگهای نتراشیده‏ای‏ که با گچ تزیین شده بودند،ساخته شده بود.

فرم جدیدی از مساجد در قرن 11 م ظاهر شد که‏ میان چهار ایوان بنا می‏شدند.به نظر می‏رسد که‏ پیدایش این بنای جدید مربوط به ورود سلجوقیان‏ به عرصهء حکومت باشد.نمونه‏های این فرم جدید در قسمت غربی و مرکزی ایران یعنی اصفهان، مسجد شیخ لطف الله-اصفهان‏ برسیان،زواره،قزوین،یزد،کرمان و ری یافت‏ می‏شود.یکی از نمونه‏های بارز این سبک مسجد «زواره»به تاریخ 1139 م است،این مسجد شامل‏ یک حیاط مرکزی مربع شکل با ایوانهایی در چهارطرف حیاط مرکزی است.در پشت ایوان‏ قبله،یک اتاق مسقف چهارگوشی قرار دارد که‏ محراب در آن تعبیه شده است.

از دوران سلجوقی به بعد،طرح چهار ایوانه، شکل استاندارد مساجد شد و پیشرفت‏های بعدی‏ نیز در همین محدوده رخ داد.پیشرفت‏هایی که‏ در دورهء ایلخانان در مورد معماری مساجد صورت‏ گرفت،اصلاح طرح چهار ایوانه و استفاده فزاینده‏ از شیوه‏های تزئینی بود.

مشکل طرح چهار ایوانه کم جلوه بودن جهت‏ محراب بود.یکی از شیوه‏های تشدید این موضوع‏ گسترده کردن ایوان قبله است که این را می‏توان به‏ بهترین نحوی در مسجد«علیشاه»تبریز که در بین‏ سالهای 1310 و 1320 م ساخته شده است‏ ملاحظه نمود.در این مسجد ایوان قبله 48 متر عمق و 30 متر عرض دارد.یکی دیگر از شیوه‏های تشدید جهت قبله،تزیین حواشی ایوان‏ قبله و پیش تاق آن است.در مسجد«جامع‏ ورامین»که در سال 1322 م ساخته شده است، ایوان قبله به یادماندنی این مسجد با مقرنس‏های‏ عظیم و کتیبه‏های گچی تزیین شده و با آجرکاری‏ نیز مزین گردیده است.

با فروپاشی اقتدار ایلخانان در سال 1335 م‏ ایران تحت سلطهء اقوام رقیب درآمد.از مهم‏ترین‏ این سلسله‏ها مظفریه بود که نواحی فارس و کرمان‏ نمونه‏های مسجد چهار ایوانه در قسمت غربی و مرکزی ایران یعنی‏ اصفهان،برسیان،زواره،قزوین، کرمان و ری یافت می‏شود.

را در دست داشت.در این دوران ابداعاتی در ارتباط با معماری مساجد صورت گرفت که در مجموع به سبک«مظفریه»معروف شدند.یکی از بارزترین ویژگیهای این سبک استفاده از قوسهای‏ متقاطع بزرگ بود که گنبدهای استوانه‏های متقاطع‏ را نگه می‏دارد.این شیوه در نمازخانه‏ای که به‏ مسجد«جامع یزد»افزوده شده بود و مدرسه‏ای که‏ به مسجد«جامع اصفهان»متصل گردید، بکار گرفته شده است.مزیت این روش جدید این‏ است که می‏توان قسمت‏های بزرگی را بدون‏ استفاده از ستونهای داخلی پوشاند.همچنین در این دوران استفاده از موزاییک کاشی به عنوان‏ تزیین برای قسمت داخلی مسجد و نمای ورودی‏ بنا مرسوم گردید.

در سال 1393 م غلبه تیمور موجب سقوط ناگهانی سلسلهء مظفریه گشت.این فتح آغازگر دورانی بود که طی آن ساخت بناهای تاریخی‏ محدود به قسمت غربی ایران شد؛قسمتی که‏ اکنون در خارج از مرزهای سیاسی قرار دارد. معهذا قابل ذکر است که بسیاری از بناهایی که‏ تیمور و جانشینان وی در سمرقند و بخارا بنا کردند،شبیه بناهای اولیه در غرب ایران است.

یکی از دلایل آن،این است که تیموریان‏ استادکارانی از غرب ایران استخدام کردند،شاید همین موضوع علت رکود ساختمان سازی در غرب ایران باشد.

سلسله قره قویونلو که مرکزیت آن در تبریز بود وضعیت ساخت و ساز را در غرب ایران بهبود بخشید.مهم‏ترین بنای تاریخی این دوران مسجد «کبود تبریز»است که شامل یک محوطه مرکزی‏ مسقف است که به چهار ایوان گشوده می‏شود. این نقشه شبیه نقشه مساجد T شکل اولیه بورسا است و احتمالا تحت تاثیر معماری«اوتامان» قرار گرفته است.

به استثنای مساجد اصفهان،مساجد جدید اندکی در دوران صفویه ساخته شد و اصلاحات‏ عدیده‏ای در مساجد و زیارتگاههای قدیمی‏ صورت گرفت.خصوصا تأکید فزاینده‏ای بر زیارتگاههای مشهد و اردبیل صورت گرفت تا تعداد زوار بیشتری را در خود جای دهد.

در دوره صفویه در اصفهان شهر جدیدی ساخته‏ شد که دارای میدان مرکزی بسیار بزرگی بود که‏ بعنوان مرکز شهر بکار می‏رفت.ورودی میدان دو مسجد بزرگ است؛مسجد«شاه»(امام خمینی ره) در جنوب و مسجد«شیخ لطف اللّه»در شرق میدان‏ واقع است.میدان شمالی جنوبی است، در حالیکه مساجد در جهت قبله بنا شده‏اند. بنابراین پیوند مساجد و میدان از ورودی به زاویه‏ 45 درجه صورت می‏گیرد.

مسجد«شیخ لطف اللّه»کوچکتر و به طرز نامانوسی ساخته شده است.این مسجد دارای یک‏ اتاق گنبددار است که دسترسی به آن از طریق یک‏ راهروی L مانند آنجام می‏پذیرد.نقشه این بنا برخلاف دیگر مساجد فاقد حیاط است و بیشتر به‏ آرامگاهها شباهت دارد تا مساجد ایرانی.

مسجد شاه با طرح چهار ایوانه خود،اگرچه‏ بخاطر ویژگیهای غیر موسومی نظیر وجود مناره در هر طرف ایوان قبله،سالن‏های گنبددار و دو نمازخانه هشت گنبدی،بنظر می‏رسد که فرقی با طرحهای قبلی ندارد،اما نکته جالب،مدارسی‏ است که در کنار نمازخانهء اصلی واقع شده‏اند و در مجموع مجتمع مذهبی یکپارچه‏ای را تشکیل‏ داده‏اند.وحدت معماری این مجتمع،بطرز هوشمندانه‏ای با محورهای خمیده تقویت شده و به شخصی که در میدان ایستاده،این امکان را می‏دهد تا ورودی تزیین شده ایوان قبله و گنبد بزرگ مرکزی را بطور همزمان مشاهده کند.تأثیر این نما با کاشی‏های لعابی آبی و فیروزه‏ای،دو مناره مجاور درب ورودی و ایوان قبله دو چندان‏ شده است.

مساجد دیگری که در دوران صفویه ساخته‏ شدند،علی العموم طراحی عادی داشته و بر اساس نقشه استاندارد چهار ایوانه بنا گردیده‏اند. مساجدی که دوران زندیه و قاجار ساخته شدند با همان سبک قدیمی صفویه بنا گردیدند ولی تأکید زیادی روی تزیین کاری آنها شده است. مشهورترین بنای دوران زندیه مسجد وکیل شیراز است که از ویژگیهای بارز آن کاشیهای صورتی و زردرنگ است.چند مسجد که در قرن نوزدهم در دوران قاجاریه ساخته شده است،دارای تغییراتی‏ نظیر ورودی بنا در یک طرف و مناره‏های چندگانه‏ می‏باشد.

توسعه آرامگاه‏ها،یادآور مساجدی است که‏ ساختارهای اندکی از مساجد پیش از قرن یازدهم‏ میلادی را به همراه دارد.بناهای بسیاری قبل از قرن شانزدهم ساخته شده‏اند که در آنها ابداعات‏ چشمگیری اعمال نشده است.در مورد آرامگاه‏های جدید،دو گونه بنای متداول و مشخص وجود دارد که شاید بتوان آنها را «آرامگاه‏های گنبدی»و«مقابر برجی»نام نهاد.

مقابر برجی معمولا برای حاکمان و شاهزادگان‏ برجستهء محلی ساخته می‏شدند و شاید ادامه سنتی‏ بود که ایرانیان پیش از اسلام می‏کردند.میزان این‏ تقلید را می‏توان در برج«لاجیم»ملاحظه کرد که‏ در آن کتیبهء یادبودی به خط عربی و پهلوی موجود است.اولین و شاید مشهورترین برج یادبود در ایران«گنبد قابوس»است که بین سالهای 1006 تا 1007 م ساخته شده است.این آرامگاه شامل یک‏ برج استوانه‏ای شکل بلند به ارتفاع 55 متر با 10 پشت‏بند مثلثی و یک سقف مخروطی است.در این بنا به جز دو ردیف کتیبه که یکی نزدیک پایه و دیگری که زیر سقف تعبیه شده است،تزیین‏ دیگری در آجرکاریها به چشم نمی‏خورد.اگرچه‏ این نوع بنا غیر عادی است ولی می‏توان آن را به‏ دسته‏ای از آرامگاههای برجی غزنویان که در شرق‏ ایران،در افغانستان،ساخته شده است،مرتبط دانست.

در دوران سلجوقی مقابر برجی بعنوان نوع‏ اصلی بناهای یادبود در گذشتگان مرسوم گردید. مقابر برجی مهم دیگر،برج«پیر علمدار» (1020 م)و برج«چهل دختران»(5-1054 م)که‏ هر دو در دامغان ساخته شده‏اند،می‏باشند. اهمیت این برجها تزیین آجرکاری آنهاست که‏ بعدها یکی از شیوه‏های متداول در مقابر برجی شد و در دوران سلجوقیان بود که استفاده از کاشی و آجرهای لعابی بعنوان شکلی از تزیین‏کاری مرسوم‏ گردید.

در دوران ایلخانان،شکل مدور مقابر برجی‏ اصلاح شد و به آنها لبه‏های نیم‏دایره یا زاویه‏دار افزوده گردید.بنای مقبره‏ای برج«علاء الدین‏ ورامین»(1289 م)دارای چنین ویژگی است.در برج مقبره‏ای«علی آباد کاشمر»لبه‏های نیم‏دایره و زاویه‏دار با هم ترکیب شده و تاثیر متقابل پیچیده‏ای‏ روی سایه‏ها ایجاد کرده‏اند.

در قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی نیز بجای‏ سقف مخروطی از سقف هرمی استفاده گردید که‏ در آن از تعدادی صفحات صاف که در رأس‏ یکدیگر را قطع می‏کردند،استفاده شده بود.

آرامگاه‏های گنبددار احتمالا ابتدایی‏ترین شکل‏ آرامگاه‏ها هستند و میتوان اثر آنها را در ساختمانهایی نظیر«قبة السلبیه»در سامره یافت. این ساختمان‏ها معمولا یک پایه مربع یا هشت‏ وجهی و گنبدی کروی شکل دارند.یکی از ابتدایی‏ترین نمونه‏های این ساختمان‏ها در ایران‏ مقبره«ارسلان جاذب»به سال 1028 م است. نمونه دیگر«دوازده امام»یزد(7-1036 م)است‏ که دارای اتاق مربع شکل عظیمی است که به‏ قدیمی‏ترین مسجد ایران-یزد(براساس پشت‏نویسی عکس‏ موجود در بایگانی کیهان) توسط گنبدی که روی استوانه هشت وجهی‏ قرار دارد،پوشیده است.

در دوران ایلخانان استفاده از گنبد دو پوسته‏ای‏ نیز بعنوان یک اصل رایج شد،در این شیوه گنبد بیرونی بلندتر و گنبد درونی پایین‏تر قرار می‏گرفت.هدف استفاده از گنبد دو پوسته‏ این بود که گنبد بلندتر می‏توانست از بیرون جلب‏ توجه کند،اما از درون برای استفاده‏های دیگر نامناسب بود.

در دوران تیموریان استفاده از گنبد پیازی شکل‏ رایج گردید و همین شیوه به عنوان ویژگی‏ معماری ایرانیان شناخته شد.این شیوه در بسیاری‏ از مقابر ساخته شده بعد از قرن پانزدهم میلادی‏ مورد استفاده قرار گرفت.علاوه بر شکل‏ استاندارد گنبد،تغییرات منطقه‏ای نیز در غرب‏ ایران بوجود آمد که با گنبدهای مقرنس عراقی‏ مرتبط است.

علاوه بر مقابر برج‏دار و آرامگاه‏های هشت‏ وجهی گنبددار،نوع سومی از آرامگاه‏ها در زیارتگاههای بزرگ مشهد،قم و ماهان‏ وجود دارد.احتمالا بزرگترین آنها زیارتگاه«امام‏ رضا(ع)»در مشهد است که در دوران تیموریان در سال 1418 م ساخته شد و توسط سلسله‏های‏ بعدی ایرانی تزیین گردید.در وسط این زیارتگاه، اتاق بزرگی وجود دارد که با یک گنبد لعابی پیاز شکل پوشیده شده است.در اطراف ساختمان‏ ردیف ایوان با کاشی‏های لعابدار و یک ایوان‏ یادبود که در کنار و دو مناره که در جلو تعبیه‏ شده‏اند،وجود دارد.

بنای غیر مذهبی در ایران به اشکال مختلفی از قبیل کاخها،کاروانسراها،پل‏ها،حصارهای‏ شهر،بازارها،یخچالها،کبوترخانه‏ها و حمام‏ها دیده می‏شود.متاسفانه بیشتر بناهای غیر مذهبی که‏ مربوط به گذشته‏های دور می‏شوند،تخریب شد و تنها نمونه‏های چندی قبل از دوران صفویه باقی‏ مانده است.این موضوع بویژه دربارهء کاخها کاملا صادق است.کاخ«عالی قاپو»در اصفهان‏ یکی از معدود کاخهای سلطنتی باقیمانده است. از کاخهای قدیمی‏تری که تاکنون یافت شده‏اند، جز خرابه چیزی برجای نمانده است.این بناهای‏ عظیم در اثر جنگ یا بلایای طبیعی تخریب‏ گردیده‏اند.

کاخ«عالی قاپو»قسمتی از یک مجموعه‏ سلطنتی در اصفهان است که توسط شاه عباس‏ صفوی در قرن هفدهم ساخته شده است.این کاخ‏ در ضلع غربی میدان مرکزی واقع شده و شامل‏ یک ساختمان مربع شکل بلند با یک هشتی در جلو و مشرف به میدان است.این هشتی بیش از دو طبقه ارتفاع دارد و روی یک شالوده قوسی شکل‏ طوری بنا شده است که به عنوان سکوی بزرگ‏ سرپوشیده شده‏ای عمل می‏کند.پشت ساختمان‏ اصلی عالی قاپو چند باغ و عمارت کلاه فرنگی‏ وجود دارد که یادآور باغ کاخهای موجود در نقاشی مینیاتور ایرانی است.

با این وجود،بیشتر بناهای غیر مذهبی نظیر کاروانسراها یا بازارهایی که فایده بیشتری برای‏ مردم داشته است،نیز گاهی با تزئیناتی که از معماری مذهبی تأثیر گرفته بود،مزین شده است. این فرایند را می‏توان در معماری ایرانی در ساختمان‏هایی نظیر کاروانسرای«رباط شرف»که‏ مربوط دوران سلجوقیان است مشاهده نمود، ورودی این بنا با آجرکاری تزیین شده و برای‏ استفاده مسافران در بنای اصلی محرابی نیز بنا گردیده است.این فرایند تا قرن نوزدهم ادامه‏ داشت و می‏توان نمونه آن را در ورودی بازار یزد نیز ملاحظه نمود،این بنا شامل سه ایوان سه طبقه‏ است که مجاور با دو مناره پوشیده از کاشیهای‏ لعابی می‏باشد.در هر حال بیشتر کاروانسراها و بازارها دارای تزئینات اندکی در حواشی کتیبه‏ ساخت آنهاست که بالای سر در ورودی نصب‏ می‏شود.